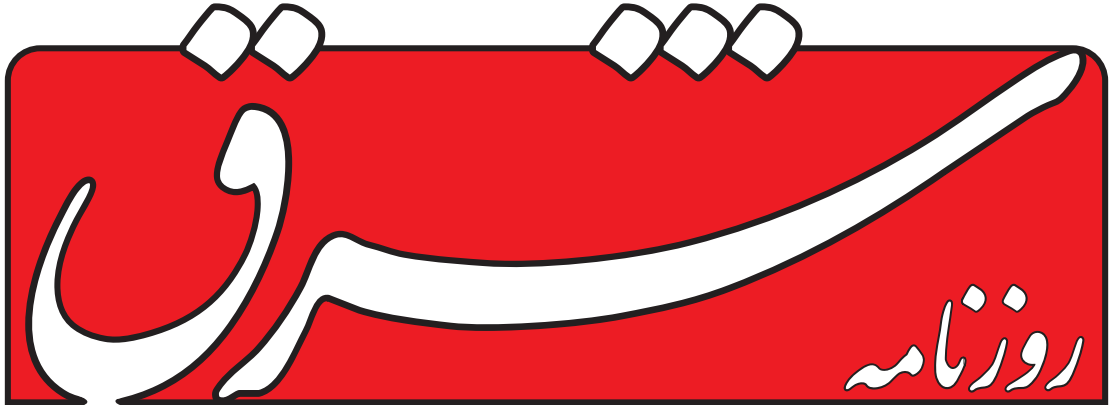




احمد غلامی

در اندیشه عزیزالدین نسفی، صاحب کتاب «الانسان الكامل»، انسان‌های آزاد دو طایفه‌اند؛ طایفه‌ای که راه عزلت، قناعت و خمول (کمنامی) در پیش گیرند و طایفه‌ای که کار تسلیم و رضا و نظاره را ترجیح داده‌اند. این عارف بزرگ هر دو راه را زیسته و به تجربه دریافته است که هر یک از این راه‌ها، معایب و محاسنی دارد. در اینجا قصد ما کنکاش در اندیشه‌های وسوسه‌انگیز عرفانی نیست، بلکه درصدد هستیم برداشتی سیاسی و اجتماعی از تعبیر عزیزالدین نسفی به دست دهیم. یکی از این تعبیر نظاره است؛ یعنی نگریستن. سیدجواد طباطبایی می‌گوید: «در اندیشه سیاسی، به خلاف اندیشه عرفانی، اصل بیرون است و ضابطه و میزانی جز امتیاز بیرونی وجود ندارد. درحالی‌که اندیشه عرفانی جز به باطن و امتیاز باطنی ارج نمی‌گذارد». نظاره‌گری یعنی عینیت‌بخشیدن به بیرون. نگریستن به چیزها از هر جهت شکل خاصی را تداعی می‌کند. نگریستن به یک درخت از زوایای مختلف، درخت‌های متفاوتی را تداعی می‌کند. یک درخت، یک درخت نیست. به میزان نگاه‌های ما از زوایای مختلف چند درخت است. گاهی برای اینکه چیزی را خوب بفهمیم، آن را چندین بار از زوایای مختلف نگاه می‌کنیم. بالا و پایین می‌کنیم، چپ و راستش می‌کنیم، تا بالاخره آن را درمی‌یابیم. روزی در ویرانه‌های جنگ بقایای اشیای به‌جامانده از یک زندگی را دیدم. یک سماور، یک تخت فلزی فزری و تکه‌ای از یک استکان شکسته‌شده. این اشیای دیگر آن اشیای سابق نبودند. هر یک معنا و احساس تازه‌ای را منتقل می‌کردند. در ویرانه‌ها که قدم می‌زدم با هر شیئی که برخورد می‌کردم، با تعجب می‌گفتم: «سماور، قوری و عروسک...». چه چیز این اشیاء را متفاوت از گذشته‌شان ساخته بود؟ یقیناً حوادث جعلی. رویدادهای اجتماعی و سیاسی رابطه ما را با هستی و اشیاء دگرگون می‌کنند. برای همین است که بعد از یک انقلاب اسامی خیابان‌ها نام‌گذاری مجدد می‌شوند؛ چراکه در انتظار یا در نظاره‌گری مجدد، این خیابان معنای سابق خود را از دست داده است. مسئله انتقام تاریخ نیست، مسئله تغییر معناست. گاهی اوقات بین نظاره‌گری و برداشت مردم و حکومت از یک واقعه یا مکان اختلاف ایجاد می‌شود. دست آخر نگاه حکومت غلبه پیدا می‌کند و نام‌گذاری (کدگذاری) خود را اعمال می‌کند، اما در نگاه مردم تغییری جدی حاصل نمی‌شود؛ پس نظاره‌گری کاری سیاسی است. در قرآن توصیه شده برای فهم قدرت خدا باید به آسمان و ستارگان نگریست. نگریستن نته‌ها کاری سیاسی بلکه کاری معنوی است. خیلی پیش آمده در اعتراضات خیابانی، پلیس با شدت با مردمی که برای تماشای معترضان در پیاده‌رو جمع شده‌اند، برخوردی خشن کرده است. چرا؟ مگر نگریستن حامل چه پیامی است؟ چرا پلیس می‌خواهد با اعتراضات را تماشای نکنیم و متفرق شویم؟ آنها می‌خواهند ما را از کدام نگریستن محروم کنند؟ از نگاه به مردم یا از برخورد خودشان با مردم یا هر دو؟ نگاه ما، حضور ما، کار آنها را با تأخیر روبه‌رو می‌کند یا نگاه ما می‌تواند احساسی متفاوت به وجود آورد و ما نیز به خیل معترضان بپیوندیم. بسیاری از پلیس‌ها در دنیا کلاهی نقاب‌دار بر سر می‌گذارند که صورت‌شان به دشواری دیده می‌شود. بخشی از این کار برای حفظ امنیت است و بخشی برای دیده‌شدن. اگر دردها شب یا در روزهای خلوت به دزدی می‌روند فارغ از اینکه در این موقعیت احتمال دستگیری‌شان کمتر است، در انتظار نیز نیستند. جامعه‌ای که دزد و پلیس‌ش در انتظار عمل می‌کنند، کارش تمام است. بخشی از ایستادن در برابر دشمن از غیرت و شجاعت است، اما بخشی از آن شرم از گریز در پیش چشم مردم است. در حمله مغول‌ها به خوارزم، عارف بزرگ شیخ نجم‌الدین کبری، در برابر مغولان ایستاد و جنگید و به شهادت رسید. عارف را چه به جنگیدن؟ اما دشوار است از پیش چشم مردم گریختن. این نه در شان عارفی بزرگ است. حمدالله مستوفی می‌نویسد: «چنگیز خان پیش نجم‌الدین کبری فرستاد که فرموده‌ام در خوارزم قتل‌عام کنند. باید که از او بیرون آیی تا کشته نشوی! شیخ جواب داد که هفتاد سال در زمان خوشی با خوارزمیان مصاحب بوده‌ام، در وقت ناخوشی از ایشان تخلف‌کردن بی‌مروتی باشد». جامی داستان شیخ را با تفسیر بیشتری آورده است: «چون کفار تار به خوارزم رسیدند، شیخ اصحاب خود را جمع کرد و گفت زود برخیزید به بلاد خود روید که آتشی از جانب شرق تا به نزدیک مغرب خواهد سوخت.



شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳  
۹ ذی‌القعده ۱۴۴۵  
۱۸ می ۲۰۲۴  
سال بیست‌ویکم  
شماره ۴۸۳۶  
۲۰ هزار تومان  
۱۲ صفحه

دفتر حسن روحانی:  
دستگاه قضائی تمام ابعاد  
پرونده فرش‌های سعدآباد  
را منتشر کند



در «شرق» امروز می‌خوانید: چابهار، بازیچه وزن‌کشی سیاسی؟ • زهرا خوشکام درگذشت • سلب‌ریتی‌ها در فدراسیون‌های ورزشی چه می‌کنند؟

در روزهای گذشته بارش‌های سیلابی در خراسان رضوی خسارات بسیاری به بار آورده و تاکنون قربانی گرفته است

## سیلاب اردیبهشتی؛ این بار در مشهد

ایران هنوز سیستم هشدار سیل ندارد



این گزارش را در صفحه‌های ۸ و ۹ بخوانید. عکس: محسن بخشنده، ایرنا

### یادداشت

## تبعات تکیه حکومت به مردم



مهرداد احمدی شیخانی

در پایان هفته گذشته، جناب آقای باهنر، از بزرگان قدیمی اصولگرایان، در اظهاراتی از این گفتند که دوره گذران امور و اتکای دولت به درآمدهای نفتی گذشته و از این پس دولت ناچار است برای اداره کشور به درآمدهای مالیاتی تکیه کند (نقل به مضمون). این سخنی است که از خیلی پیش‌ترها بر زبان بسیاری کسان دیگر، از فعالان سیاسی و کارشناسان اقتصادی جاری شده بود و حالا شنیدنش از زبان یکی از پشتیبانان دولت کنونی، چیز جدیدی نیست، جز اینکه می‌توان امید داشت که این سخن با درک ساختار سیاسی کشور نیز همراه شده باشد، چراکه رسیدن به چنین درکی می‌تواند این نقطه روشن را به همراه داشته باشد که مدیریت کشور به تبعات چنین اتفاقی نیز پایبند شود، اما تبعات این سخن جناب باهنر چیست؟ بگذارید به گذشته برویم و ماجرا را از آنجا شروع کنیم.

پس از پیروزی انقلاب ۵۷، مفهومی جدید در ساختار اجتماعی کشور و همچنین بر زبان بزرگان قوم جاری و وارد فهم سیاسی جامعه شد و آن مفهوم «تکیه حکومت به مردم» بود و اینکه در همه امور، حکمیت به مردم تکیه دارد، اما معنای این تکیه‌داشتن چیست و چگونه اتفاق می‌افتد. یک چادر یا همان خیمه را تصور کنید، این خیمه برای آنکه بتواند سرپا شود و سرپا بماند، نیاز به یک ستون میانی دارد که اصطلاحاً به آن «عمود خیمه» می‌گویند که بدون وجود آن امکان برپا شدن و برپا ماندن را نخواهد داشت و در حقیقت، چادر خیمه به آن ستون یا همان عمود تکیه دارد و این برعکس نیست، یعنی این‌طور نیست که آن عمود به خیمه تکیه کند و وقتی می‌گوئیم حکومت به مردم تکیه دارد، دقیقاً به همین معناست که مردم عمود این خیمه هستند و بدون وجود آنها، خیمه بر زمین خواهد افتاد. همین مثل را برای نقش والدین در خانواده هم قائل می‌شوند که بدون وجود آنها، خانواده نمی‌تواند سرپا بماند. برای اشاره، خانواده هزینه‌هایی دارد که در گذشته تقریباً به طور مطلق بر دوش پدر بود و امروزه در

میان بخش درخورتوجهی از خانواده‌ها، تأمین این هزینه‌ها، هم بر دوش پدر و هم مادر و در معنای کلی همان والدین است. حال اگر والدین نباشند و این هزینه‌ها را تأمین نکنند، یا اگر باشند و از تأمین آن ناتوان باشند، استواری خیمه خانواده با دشواری همراه می‌شود. ارتباط حکومت با مردم نیز چنین است، ولی تا وقتی پایداری حکومت، به‌ویژه در تأمین هزینه‌ها، به واسطه مردم نباشد، گفتن اینکه «حکومت به مردم تکیه دارد»، شاید بیشتر به یک تعارف شنبیه است تا واقعیت، چراکه دولت می‌تواند بدون نیاز به مردم، از پس هزینه‌هایش بربیاید و تنها وقتی این عبارت «تکیه به مردم» حقیقت پیدا می‌کند که دولت‌ها نتوانند بدون تأمین هزینه‌های‌شان از جیب مردم، به رفح حوائج خود برسند. برای همین هم هست که گفته می‌شود، تا وقتی در کشورهایی مانند ما، درآمدهای نفتی وجود دارد، دولت می‌تواند بدون نیاز به مردم کارهای خود را پیش ببرد و نیازی به تکیه به مردم نخواهد داشت و اینجاست که نقل آن گفته ابتدای متن از جناب آقای باهنر معنا می‌یابد و مفهوم آن این است که بالاخره بعد از ۴۵ سال، آنچه از ابتدای انقلاب گفته شده، در حال رخ‌دادن است و حالا دیگر حکومت چه بخواهد یا نخواهد، ناچار به تکیه به مردم است و این چگونه رخ می‌دهد؟ یادتان هست که همین چند ماه پیش، کلیات لایحه بودجه در مجلس رای نیابورد و رد شد، آن‌هم در مجلسی کاملاً یک‌دست با دولت؟ ماجرا هم بر سر تازمین حقوق بازنشستگان بود که دولت رفت و چند روز بعد برگشت و با افزودن یک درصد به مالیات بر ارزش افزوده، منبع جبران آن کسری را معلوم کرد و این یعنی برای ترازکردن آن کسری، دولت تصمیم گرفت که با بالا بردن یک‌درصدی ارزش افزوده، کسری مورد اختلاف را جبران کند و این یعنی، کسری تراز بودجه خود را از جیب مردم بردارد؛ و کلاً مالیات یعنی همین که دولت‌ها برای

تأمین هزینه‌های خود دست در جیب مردم کنند، اما این اتفاق به همین راحتی هم تمام نمی‌شود و یک جایی، آن کسی که به او تکیه کرده‌ای، سراغ تو می‌آید و از تو مطالبه‌ای دارد که اگر برآورده نکنی، دیگر به این راحتی نمی‌گذارد دست در جیبش کنی و اینجاست که ممکن است آن عمود کنار بکشد و خیمه واژگون شود. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ همان که در ماجرای طلافروشان رخ داد. ماجرا هم این‌گونه بود که دولت دستور داد تا بیشتر از طلافروشان دارایی‌های دقیق خود را در سامانه‌ای اعلام کنند. طلافروشان با صنف طلافروشان، فروشنندگان طلا تا شش ماه از ثبت موجودی در سامانه جامع تجارت معاف شدند و این مهلت تمدیدکردنی است. و این یعنی حالا و از این به بعد با وضعیت جدیدی روبه‌رو هستیم و آن عمود خیمه می‌داند که جایگاهش برای خیمه چیست و می‌تواند همین جایگاه را برای خیمه، معنا و مفهوم کند. کاری ندارم که حق با طلافروشان بود یا نه، ولی آنچه رخ داد، نشان‌های از تغییر شرایط است، تغییر شرایطی که در گذار جناب باهنر هم بود، غیر از اینکه ایشان به کسی ربط دارد که من چقدر طلا دارم؟ و کار بالا گرفت، تا جایی که در نشست بین زرگرها و وزیر

نامه وزارت صمت به اتحادیه طلافروشان مبنی بر معافیت از ثبت دارایی‌ها در «سامانه جامع تجارت» حکایت از یک عقب‌نشینی دارد که بیش از این با اصلاح بند (س) تبصره (۶) قانون بودجه ۱۴۰۳ و بازگشت به معافیت مالیاتی شرکت‌های بورسی رقم خورد. اصلاحی به منظور حمایت از بازار سرمایه و حذف سقف معافیت مالیاتی ۵۰۰ میلیارد تومان برای بنگاه‌ها (بورسی) که به اذعان سخنگوی کمیسیون تلفیق مجلس ظرفیتی معادل ۱۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد مالیاتی را از بین برد. این در حالی است که در عوض با بالا بردن یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده، قدرت خرید مردم بیش از پیش سقوط خواهد کرد تا بار ناتوانی در اخذ مالیات از ثروتمندان بر سر مصرف‌کنندگان خراب شود. این دو رویداد نشان داد دست‌هایی که تعادل اقتصاد ایران را رقم زده‌اند، از چنان قدرتی برخوردارند که اجازه کوچک‌ترین نمایش «عدالت‌خواهان» را هم به تازه‌واردان منتسب به دانشگاه خاص نمی‌دهند و...

### برگزیده‌ها

#### گردهمایی بزرگ جشن مردمی امام‌رضایی‌ها

در نشست بررسی موانع امنیت شغلی روزنامه‌نگاران و راه‌های تقویت آن مطرح شد

#### روزنامه‌نگاری؛ از امنیت شغلی تا آزادی رسانه‌ها

چرا اقدام جدید قهرمان کشتی فضای مجازی را به هم ریخت

#### پنجمین قاب دونفره حسن یزدانی و ابراهیم رئیسی

نگاهی به فعالیت شبکه نمایش خانگی به بهانه اظهارنظر اخیر وزیر ارشاد

#### اختلاف پایان‌ناپذیر مدعیان نظارت

گزارش «شرق» از یک نشست که به همت گروه «زنان و اندیشه» برگزار شد

### روایای تغییر

### یادداشت روز

#### سقوط «پروژه عدالت»



ابوالفضل گرمایی

### انا لله و انا الیه راجعون

#### جناب آقای کسری نوری

درگذشت پدرگرامیتان را تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و طول عمر مسئلت داریم.

**بهباد نبوی، محمد عطریانفر، عماد باقی، رضا تهرانی**  
**الیاس حضرتی، علی صالح آبادی، سعید پورعزیزی**  
**خسرو طالب‌زاده، محسن اشرفی، قلی‌زاده، فیض آبادی**  
**فیاض زاهد، شهاب طباطبایی، علی دهقان، مهدی رحمانیان**

### انا لله و انا الیه راجعون

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت

#### مرحوم اسدالله نوری شمیرانی

راه به اطلاع می‌رسانیم. به همین مناسبت مراسم ختمی در روز یکشنبه ۱۴۰۳/۰۲/۲۳ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجدالرضا واقع در خیابان قنبرزاده (نیلوفر) برگزار می‌شود. حضور شما سروران گرامی باعث شادی روح آن مرحوم و موجب تسلی خاطر دل بازماندگان خواهد شد.

از طرف خانواده‌های: **نوری شمیرانی، خجسته خسرو، یونچی مصباحی و سایر بستگان**